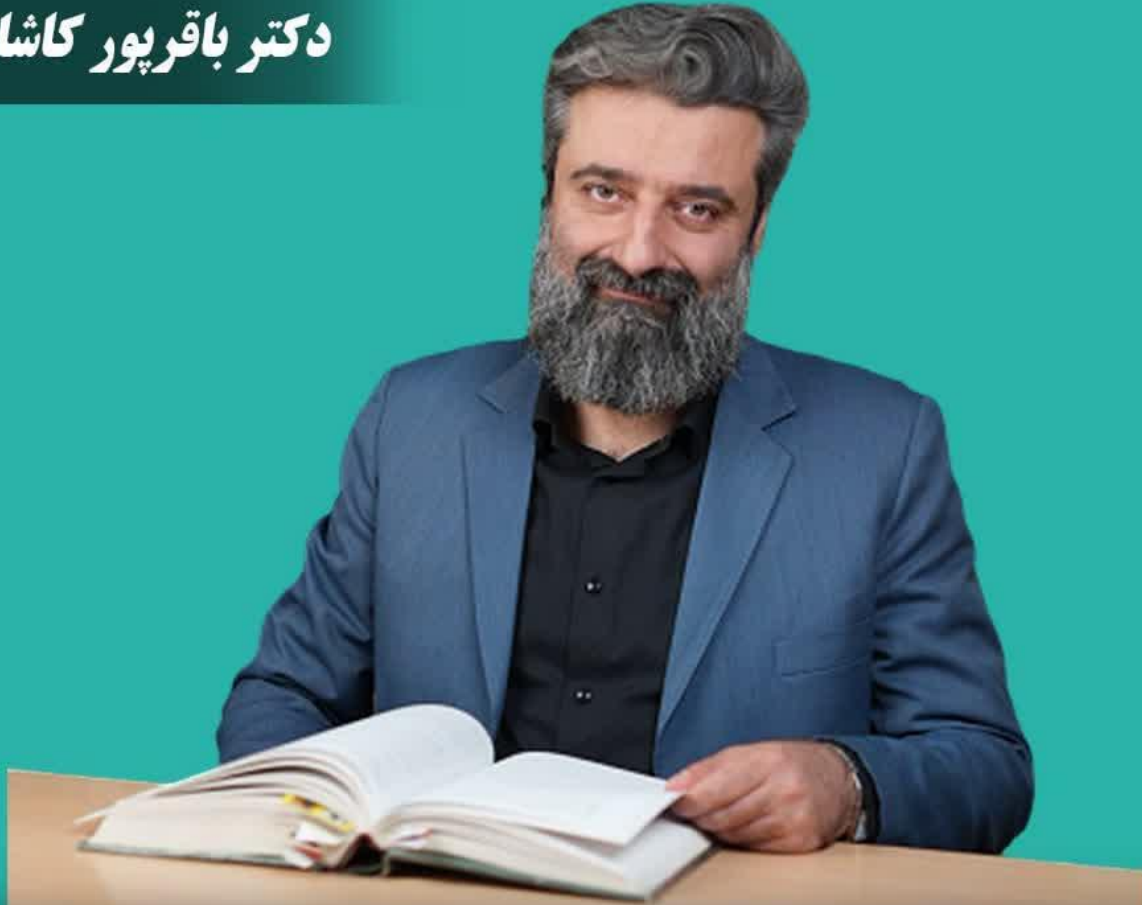


دکتر باقر پور کاشانی



عبادات امام کاظم علیه السلام در زندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## عبادات امام کاظم علیه السلام در زندان

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، در زمانی که در حبس جلادان و سفاکان زمان خودشان بودند، در آن وضعیت سختی که در زندان بودند، تماماً مشغول نماز و مناجات با خدا بودند. ماجراهای متعددی از عبادات حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در زندان گزارش شده است.

یکی از آنها را من خدمت بزرگواران عرض می‌کنم که این ماجرا را شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا، جلد اول صفحه ۹۸ حدیث دهم، و در کتاب الأمالی خودشان صفحه ۱۲۶، حدیث هجدهم آوردند.

روایت از احمد بن عبدالله غروی است که این از پدرش نقل می‌کند که می‌گوید پدرم گفت:

«روزی نزد فضل بن ربیع رفتم. دیدم بر بامی ایستاده. تا مرا دید گفت: نزدیک من بیا. من کنارش آمدم ایستادم. اشاره کرد به پایین، گفت: آنجا چه می‌بینی؟ (اشاره به زندان کرد). گفتم: کانه یک لباسی بر زمین پهن

است. گفت: خوب نگاه کن! وقتی نگاه کردم دیدم یک فردی به سجده افتاده. به من گفت: این آقا را می‌شناسی؟ گفتم: نه! گفت: خودت را به تجاهل نزن. گفتم: نه نمی‌شناسم. گفت: این سرور توست. گفتم: سرور من کیست؟

گفت: ایشان ابوالحسن موسی بن جعفر است. من او را روزها و شب‌ها زیر نظر می‌گیرم و هرگاه می‌نگرم، در همین حالت است. نماز صبح را می‌خواند، یک ساعت تعقیبات نماز می‌خواند تا طلوع خورشید. پس از آن به سجده می‌رود تا زوال و یکی از نگهبانان را مأمور کرده تا وقت ظهر را به او خبر دهد. نمی‌دانم چه زمانی آن خدمتکار خبر زوال را به او می‌دهد. ناگهان برمی‌خیزد و بدون تجدید وضو به نماز می‌ایستد و من می‌فهمم که در این مدت نخوابیده یا از هوش نرفته! چون تجدید وضو نمی‌کند.

او همچنان مشغول نماز می‌شود تا نماز عصر را به پایان می‌برد و باز تا غروب آفتاب به سجده می‌رود و به هنگام غروب برمی‌خیزد و بدون تجدید وضو به نماز مغرب می‌ایستد و پس از آن به مقداری کباب که برایش می‌آورند افطار می‌کند و تجدید وضو نموده و به سجده می‌رود و سپس اندکی می‌خوابد و برمی‌خیزد و تجدید وضو نموده تا طلوع فجر به نماز

مشغول می‌شود و باز نمی‌دانم که چه زمانی خدمتکار به او می‌گوید که سپیده شده، ناگاه برمی‌خیزد و به نماز صبح می‌ایستد. این عادت روزانه او از زمانی است که به من سپرده شده.

با شنیدن این سخنان گفتم که فضل بن ربیع از خدا بترس! مبادا دست به کاری زنی که نعمت از دست تو برود! زیرا می‌دانی که کسی که به این خاندان بدی بکند، نعمت را از دست خواهد داد! گفتم بارها نزد من فرستادند و دستور دادند او را بکشم ولی من پاسخ نداده و گفتم این کار را نخواهم کرد و اگر مرا هم بکشند به خواسته‌های آنها پاسخ نخواهم داد.

مدتی گذشت و حضرت موسی بن جعفر را به نزد فضل بن یحیی برمکی منتقل نمودم و چند روزی زیر نظر او زندانی شد و تا سه روز، فضل بن ربیع برای او غذا می‌فرستاد.

شب چهارم سفره‌ای از سوی فضل بن یحیی برایش بردند. آن حضرت سر به آسمان بلند کرد و گفت: پروردگارا! تو می‌دانی که اگر این غذا را پیش از این می‌خوردم، جان خود را به خطر انداخته بودم، ولی امروز که موعود رسیده عذری نیست.

آن حضرت غذا را خورد و بیمار شد و هنگامی که فردای آن روز پزشک آمد و بر کف دست او رنگ سبزی را که در اثر سم حاصل شده بود، معاینه کرد برگشت به جلادان حکومتی گفت: خدا از خود شما بهتر می داند که نسبت به موسی بن جعفر چه ظلمی روا داشتید و آن حضرت در اثر همین سم از دنیا رفت».

وجود نازنین حضرت موسی بن جعفر علیه السلام تا وقتی که خارج از زندان بودند، مسأله هدایت و اینکه تبلیغ دین بکنند، بین مردم ترویج بکنند و نیز عبادت، و اما وقتی موقعیتی نبود که تبلیغ دین بتوانند بکنند و آقا را در زندان قرار داده بودند، البته ماجراهای عجیبی هست در مورد زندان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که چه کسانی از زندان بانان و کسانی که فرستاده بودند حضرت موسی بن جعفر را اذیت بکنند، اینها برگشتند و منقلب شدند و ایمان به حضرت آوردند! اما در آن مدت تنها انسی که موند بود مناجات با خدا و نماز و سجده، سجده‌های طولانی نسبت به حضرت موسی بن جعفر بود!

چقدر تأکید شده به سجده طولانی! فرمودند که بهترین حالت، نزدیک‌ترین حالتی که یک انسان به خدا دارد، چشم گریان، سر به سجده و وجود مقدس‌شان این‌گونه پیش می‌رفتند.

نکته آخر اینکه حضرت به تعبیری که در زیارت آل یاسین می خوانیم:  
«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ»؛ اینها دلیل اراده پروردگار  
هستند!

یعنی فعل امام، فعلی که از حجت صادر می شود، دلیل بر اینکه رضایت  
خدا را دیده و اون کار را انجام داده!

لذا این گونه بوده که تقدیر حضرت، عجل حضرت، مرگ حضرت این گونه  
بوده که به امر الهی، به تقدیر الهی بوده. فرمودند این غذای مسموم را اگر  
قبل او می آوردند من میل نمی کردم و می گفتم جانم را دارم به مهلکه  
می اندازم. اما این گونه موعود این گونه است! رضایت خداوند در این هست.  
تقدیر در این است که من این کار را بخواهم انجام بدهم و این گونه خدای  
من به این راضی هست. البته حضرت را مجبور کردند اگر وجود نازنین شان  
بر اساس روایات دیگه هست که وجود نازنین ایشان اگر این غذا را  
نمی خوردند، به نحوه دیگری حضرت را به شهادت می رساند! حضرت را  
مجبور کرد!

اما حضرت ممانعت نمی کنند در آن شرایطی که هستند تن می دهند به  
تقدیری که خداوند برایش رقم زده.

ان شاء الله که همه ما از شیعیان و محبین حضرت موسی بن جعفر علیه السلام باشیم و هر چه بیشتر در جهت تقرب به پروردگار اهتمام بدهیم به عبادت و نماز و سجده‌های طولانی، سجده‌هایی که گریان باشیم! حالتی که حالت انکسار و حالت توبه و پشیمانی و تصمیم بر کارهای خوب.

ان شاء الله که خداوند با ظهور فرزند بزرگوارشان حضرت بقیه الله اعظم انتقام این بزرگواران گرفته شود و هر چه بیشتر خیرات، برکات، نعمت‌ها، کمالات، علم، بین ما ترویج شود و انسان‌ها به تکامل برسند.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَاقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ



@aparat.com/be  
\_sooye\_zohoor



v\_bagherpour\_  
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-  
kashani.com/



@serat12k



youtube.  
com/c/seratehagh



https:  
//naakhodaa.ir